

# برائدهی

حجة الاسلام والمسلمین جوادمحدثی

❁ مقدمه:

قرآن، کلام الهی و حقیقت متصل به خداوند است و از سوی او و عالم غیب و از لوح محفوظ آمده است. در این نوشتار مفاهیم: نزول، علت نزول، مقدار نزول، و ترتیب نزول قرآن کریم را به بررسی نشستیم که به شما خوانندگان محترم تقدیم می‌داریم.

❁ مفهوم نزول:

تعبیراتی که در قرآن کریم، بیان شده، همچون "نُزول"، "انزال"، "ایتاء"، "إتیان"، "وحی" و... به معنای فرود آمدن، فرو فرستادن، دادن، آمدن، وحی کردن می‌باشد. آنچه از همه بارز تر است، مفهوم نزول قرآن است. نزول، به معنای فرود آمدن چیزی است و انزال و تنزیل، فرستادن چیزی از بالا به سوی پایین است. این "فرود"، همچنان که در موضوعات حسّی و مادی است، مانند فرود آمدن باران، هواپیما، سنگ، سوار و... در مفاهیم معنوی و جهات اعتباری هم مطرح است. مانند فرود آمدن مقام کسی، تنزل درجه، فرود آمدن روحیه، محتوای کلام، سطح فکر و اخلاق. آنچه به پیامبر ﷺ نازل شده و به دست ما رسیده است، چون از مقام ربوبی و از ذات کبریایی و از لوح محفوظ الهی است و از جایگاهی بالا و والا آمده است، پس نزول یافته است. از سوی دیگر، حقیقت قرآن بسی متعالی است و نزد خداوند و علم او است. این حقیقت قرآنی که به صورت غیر لفظ و کلام است، وقتی بخواید به بشر برسد، صورت لفظی می‌گیرد و به مرحله "کلام"، تنزل می‌یابد تا برای بشر، قابل دریافت و فهم باشد. آن صورت دست نیافتنی و حقیقت والای قرآن، با تعبیراتی چون "امّ الکتاب"، "کتاب مکنون"، "لوح محفوظ"، بیان شده و قرآن در این باره می‌فرماید:

«أِنَّهُ لَقُرْآنٌ كَرِیْمٌ فِی كِتَابٍ مَكْنُونٍ لَا یَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ، تَنْزِیلٌ مِنْ رَبِّ الْعَالَمِیْنَ» (۱)

و نیز می فرماید: «بَلْ هُوَ قُرْآنٌ مَّجِيدٌ فِي لَوْحٍ مَحْنُوظٍ» (۲)

همچنین به این حقیقت متعالی قرآن، که به صورت الفاظ و عبارات عربی بیان شده تا تعقل آن برای مردم آسان شود، در این آیه اشاره شده است:

«أَنَا جَعَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لَعَلَّكُمْ تَعْلَمُونَ وَإِنَّ فِي أُمَّ الْكِتَابِ لَدَيْنَا لَعَلِيَّ حَكِيمٌ» (۳)

یعنی: قرآن را به صورت عربی خواندنی قرار دادیم تا شاید بیندیشید، و آن، در «ام‌الکتاب» نزد ما والا و بلند و محکم و متین است.

علامه طباطبایی در این باره می فرماید:

تدبیر و ژرفنگری در آیات قرآن ما را به این حقیقت رهنمون می شود که: این قرآنی که به تدریج بر پیامبر اسلام نازل شده است، متکی به حقیقت متعالی و فراتر از درک دیدگاه‌ها و خردهای عموم است و اندیشه‌های آلوده به هوس‌ها و آلودگی‌های مادی، هرگز به آن حقیقت والا دست نمی یابند، خداوند، آن حقیقت را بر پیامبر ﷺ «نازل» کرد و او را نسبت به آن حقیقتی که مقصودش است، به وسیله آن کتاب، آگاه و دانا ساخت... (۴)

نزول دفعی و تدریجی:

یکی از اصطلاح‌های مربوط به نزول قرآن، نزول دفعی و مجموعی، و نزول تدریجی و نجومی است. عامل این تقسیم، تفاوت تعبیر در فرود آمدن این کتاب آسمانی از یک سو و مدت ۲۳ ساله نزول آیات کریمه از سوی دیگر است.

در لغت، «انزال»، به معنای نازل کردن دفعی و مجموعی است، ولی «تنزیل»، فرستادن تدریجی و زمان دار می باشد و هر دو تعبیر در باره قرآن به کار رفته است. از یک طرف، آیات قرآن می گوید: قرآن کریم را در شب قدر، در ماه رمضان، در شبی مبارک نازل کردیم؛ مانند این آیات:

«شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ» (۵)

«أَنَا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ» (۶)

«أَنَا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ مُبَارَكَةٍ» (۷)

از سوی دیگر به ضرورت تاریخ می دانیم که آیات الهی در طول ۲۳ سال به تدریج نازل شده است. این است که مفسران به دونوع نزول (دفعی و تدریجی) اشاره کرده اند و آیاتی را که می گوید: در رمضان و شب قدر قرآن را نازل کردیم، ناظر به نزول یک دفعه قرآن در شب قدر، به آسمان چهارم، به قلب پیامبر و به آسمان دنیا دانسته اند. روایتی



هم همین معنی را بیان کرده است. آیات دیگر نظر به نزول تدریجی و بنا به مقتضیات زمان دارد و در آنگونه موارد، «یا نُزِّلْ یا تُنَزَّلْ» و امثال اینها بیان شده است. از جمله این آیات:

«وَقُرْآنًا فَرَقْنَاهُ لِتَقْرَأَهُ عَلَى النَّاسِ عَلَى مُكْثٍ وَنَزَّلْنَاهُ تَنْزِيلًا» (۸)

و قرآن را جدا کرده و نازل ساختیم، تا با درنگ و تأنی آن را بر مردم بخوانی و آن را به تدریج نازل ساختیم. و نیز این آیه:

«قَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْلَا نُزِّلَ عَلَيْهِ الْقُرْآنُ جُمْلَةً وَاحِدَةً كَذَلِكَ لِنُثَبِّتَ بِهِ فُؤَادَكَ وَرَتَّلْنَاهُ تَرْتِيلًا» (۹)

کافران گفتند: چرا قرآن، یکجا و یکمرتبه بر او فرود نمی آید؟ (چنین می کنیم) تا بدین وسیله دل تو را استوار سازیم و آن را به صورت ترتیل، بر تو می فرستیم.

خود مفهوم "ترتیل"، خواندن به تدریج و بخشی پس از بخش دیگر است. "تفصیل" هم که به معنای جدا ساختن و فصل فصل نمودن است، در مورد "قرآن" بکار رفته است، از جمله در این آیات:

«وَلَقَدْ جِئْنَاهُمْ بِكِتَابٍ فَصَّلْنَاهُ...» (۱۰)

«...و تفصیل الکتاب لاریب فیه» (۱۱)

«انزل الیکم الکتاب مفصلاً» (۱۲)

و آیات متعدد دیگری که تعبیر "فُصِّلَت آیاتُه" یا "نُفِصِلُ الْآیَاتِ" و... دارد و اشاره به این جنبه قرآن است. البته معنای دیگر تفصیل، این است که قرآن به صورت آیه آیه و سوره سوره بیان شده است و مفهوم نزول دفعی یا تدریجی با آن فرق می کند.

### عَلَّتْ نَزُولَ تَدْرِیجِی

اگر مفهوم دفعی را نزول بر قلب پیامبر ﷺ بدانیم، به این معنی است که در یک نوبت (در شب قدر) کل معارف قرآن و حقیقت این کتاب آسمانی بر دل پیامبر فرود آمد و آن حضرت، نسبت به این مجموعه، آگاهی یافت (علم اجمالی یا تفصیلی) ولی نزول آیات، به مقتضای شرایط و حوادث و نیازها به تدریج انجام می گرفت. حتی به برخی از آیات هم استدلال شده است برای اینکه پیامبر اسلام ﷺ، محتوای قرآن را به صورت کلی می دانستند و از این رو گاهی شتاب و انتظار در نزول آیه یا آیاتی داشت که قرآن خطاب به وی چنین بیان می کند:

«وَلَا تَعْجَلْ بِالْقُرْآنِ مِنْ قَبْلِ أَنْ يُقْضَى إِلَيْكَ وَحْيُهُ» (۱۳)

پیش از آنکه وحی قرآن به سوی تو، به انجام رسد، عجله برای نزول قرآن مکن. یا این آیه:

«لَا تُحَرِّكْ بِهِ لِسَانَكَ لِتَعْجَلَ بِهِ...» (۱۴)

که مبین نوعی عجله آن حضرت در دریافت وحی است.

اما در عین حال، همه قرآن توسط جبرئیل، یکجا نازل نشد و این سنت الهی در تربیت نفوس و بیان احکام و تشریح قوانین است که از روش "تدریج" بهره می‌گیرد و آیات قرآن هم به صورت تدریجی و "نجومی" نازل می‌شود. به بیان علامه طباطبایی:

"نزول تدریجی و نجومی آیات قرآن، به صورت سوره سوره و آیه آیه، به حسب بلوغ و رسیدن استعداد آدمیان به حدی است که توان دریافت معارف اصلی اعتقادی و احکام فرعی عملی را داشته باشند و مصالح هم همین را ایجاب می‌کند تا "علم" با "عمل" مقارن و همراه گردد و به وسیله دریافت نوبتی به یکی پس از دیگری احکام الهی، طبیعت مردم از پذیرش آئین و آیات، روی برنتابد، آنگونه که در نزول یکباره تورات این مسأله پیش آمد..." (۱۵)



همچنان که اشاره شد، خود قرآن در مقابل پیشنهاد و درخواست کفار، که خواهان نزول یک مرتبه کل قرآن بودند، علت نزول و انزال تدریجی آیات را بیان می‌کند و به تعبیر علامه طباطبایی در تفسیر آیه یاد شده (آیه ۳۲ فرقان: لَنُنَزِّلَ لَكَ آيَاتٍ فَتُبَيِّنُ لَهَا لَكَ آيَاتِنَا فَتَعْلَمُ بِمَا نَحْكُمُ بِهَا إِنَّ الْإِنسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنَ كَفْرًا) این سبب به دو چیز بر می‌گردد:

۱- به پیامبر: نسبت به استوار ساختن دل او با نزول تدریجی آیات.

۲- به مردم: نسبت به بیان حق در مواردی که شبهه پیش می‌آید و قرآن، بهترین نظر و وجه را در زدودن باطل و تحریف ارائه می‌دهد. (۱۶)

#### تثبیت دل:

به این معنی است که در یافت وحی و نزول آیات قرآن، اگر به مرور زمان و به اقتضای مصالح و حوادث و نیازها باشد و در کنار هر رویداد و صحنه‌ای، آیه‌ای در خور مقام نازل شود، مایه تقویت پیامبر ﷺ است و اگر در متن عمل و زندگی مردم و فراز و نشیب‌های حیات، رهنمود وحی و کلام خدا آشکار گردد، تأثیر تربیتی و جهت‌دهندگی بیشتری خواهد داشت و این، از پیوند آموزش و عمل سرچشمه می‌گیرد. هر تعلیم اخلاقی و عبرت اجتماعی، اگر در صحنه‌های عینی و عملی مقارن با نزول وحی و آیات یا سوره مناسب باشد، در سعادت بخشی انسان مؤثرتر است. گرچه می‌توان، همه رهنمودها و آموزش‌ها را یکباره به شاگرد تعلیم داد؛ لیکن آموزشی مقرون به تأثیر بیشتر است که دیدگاه‌های نظری و تئوری‌ها در عمل و صحنه به صحنه پیاده شود؛ مثل آموختن طب بر بالین بیمار، یا آموزش رانندگی و مکانیکی، به صورت عملی و در ارتباط با ماشین، نه از روی دفترچه و کتاب.

به شهادت تاریخ، نزول تدریجی آیات قرآن در طول ۲۳ سال دعوت رسول خدا ﷺ تأثیر بسزایی در جذب دلها و اندیشه ها به اسلام داشته است. به علاوه این شیوه، با حوادث عینی هم مطابق تر است. زیرا به فرض اگر همه آیات یکجا نازل می شد، در صورتی که مفهوم یا مصداق بعضی از آنها سال ها بعد به وقوع می پیوست، در آن آغاز، نزول آن آیات چندان نمی توانست روشن و گویا باشد و برای مردم پیام دهد. پس می توان اسباب و آثار نزول تدریجی را به شرح زیر، خلاصه کرد:

- ۱- هماهنگی با سنت "تدرج در امر الهی" در زمینه هدایت و تدبیر امور.
- ۲- تأثیر پذیری تدریجی مردم از آیاتی که به اقتضای نیازها نازل می شود.
- ۳- ابراز مقام پیامبر اسلام ﷺ به طور همواره، که مورد خطاب و تکلم الهی است و بیان ارتباط او با مبدأ وحی در طول دعوت.
- ۴- تقویت قلبی و استوار سازی عزم پیامبر ﷺ و ثبات درونی او در مقابل حوادث و جریانات مختلف.
- ۵- امکان بیشتر و آسانتر فراگیری و حفظ آیات از سوی مردم.
- ۶- آشکار ساختن اعجاز این کلام الله، در طول دعوت ۲۳ ساله حضرت رسول ﷺ.
- ۷- نزدیکی زمان نزول آیات با بروز حوادث و تأثیر این ارتباط عینی در هدایت.

#### ❁ مقدار نزول در هر بار:

نزول آیات الهی، نه از نظر میزان و اندازه و تعداد آیات، حساب منظم و مشخصی داشت و نه از نظر زمان و وقت نزول، موعد خاصی را دارا بود، بلکه به اندازه مختلف، در زمان های متفاوت به حسب اقتضای شرایط و بروز حوادث، آیات قرآن نازل می شد. گاهی حتی وقفه ای نه اندک، در نزول قرآن پیش می آمد.

کیفیت نزول تدریجی که اشاره شد، در بیشتر آیات قرآن و در اغلب آیات سوره های مختلف وجود داشت. گاهی یک آیه، دو آیه یا بیشتر، از سوره ای نازل می شد، گاهی یک سوره کامل می آمد، گاهی پس از نزول آیاتی از یک سوره، آیات دیگری که به سوره قبل مربوط بود نازل می شد و به دستور پیامبر آن را جزء همان سوره قرار می دادند. این روند، در طول ۲۳ سال دعوت و رسالت آن حضرت ادامه داشت. گاهی شروع سوره جدید را با نزول "بسم الله..." تشخیص می دادند.

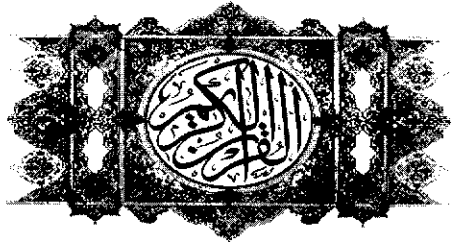
طبق روایات، بعضی سوره ها به طور کامل و یکجا نازل شده است، مانند سوره های: فاتحه، اخلاص، تبت، بینه، نصر، کوثر، مرسلات، انعام و... سوره های دیگر.

#### ❁ ترتیب نزول سوره ها

می دانیم که ترتیب موجود در سوره های قرآن، بر اساس "ترتیب نزول" نیست و تاریخیچه و سببی خاص دارد.

از سوی دیگر، گفتیم که بسیاری از سوره‌ها، به صورت کامل و یکجا نازل نشده است. بلکه حالت تدریجی داشته است. علاوه بر این، در این مورد که کدام سوره بعد از چه

سوره ای بوده و نظم و ترتیب نزول سوره‌ها به چه صورت بوده، سخن علمای قرآن و روایات این باب، یکسان نیست، و نظر‌های مختلفی ابراز شده و در روایات هم همین عدم انسجام و



اختلاف نظر به چشم می‌خورد. در عین حال، یکی از این نقل‌ها را در مورد سوره‌هایی که در مکه و "مدینه" نازل شده است بیان می‌کنم. با یادآوری این نکته که قبلاً در شناخت سوره‌های مکی و مدنی، ملاک مکی و مدنی بودن را بحث کردیم و روش شناخت آن را هم بیان کردیم.

ابن عباس نقل می‌کند: سوره‌هایی که در مکه نازل شده (به ترتیب نزول) چنین است:

اقرأ، قلم، مزل، مدثر، تبت، تکویر، اعلی، لیل، فجر، ضحی، انشراح، عصر، عادیات، کوثر، تکاثر، ماعون، کافرون، فیل، فلق، ناس، اخلاص، نجم، عبس، قدر، شمس، بروج، تین، ایلاف، قارعه، قیامت، همزه، مرسلات، ق، بلد، طارق، قمر، ص، اعراف، جن، یس، فرقان، فاطر، مریم، طه، واقعه، شعرا، طس، قصص، اسراء، یونس، هود، یوسف، حجر، انعام، صافات، لقمان، سبأ، زمر، مؤمن، فصلت، شوری، زخروف، دخان، جائیه، احقاف، ذاریات، غاشیه، کهف، نحل، نوح، ابراهیم، انبیاء، مؤمنین، سجده، طور، ملک، حاقه، معارج، نبأ، نازعات، انفطار، انشقاق، روم، عنکبوت، مطففین (جمعاً ۸۵ سوره)

و آنچه در مدینه نازل شده است (به ترتیب نزول):

بقره، انفال، آل عمران، احزاب، ممتحنه، نساء، زلزال، حدید، محمد، رعد، رحمن، انسان، طلاق، بینه، حشر، نصر، نور، حج، مآققون، مجادله، حجرات، تحریم، جمعه، تغابن، صف، فتح، مائده، توبه (جمعاً ۲۸ سوره) (۱۷)

از این نقل، سوره فاتحه افتاده است، شاید به این جهت باشد که گفته اند سوره "فاتحه" دو بار نازل شده است، یکبار در مکه و یکبار در مدینه.



|  |                     | باورقی‌ها:                          |
|--|---------------------|-------------------------------------|
| ۱۳- طه، آیه ۱۱۴.   | ۶- قدر، آیه ۱.      | ۱- واقعه، آیه ۸۰.                   |
| ۱۴- قیامت، آیه ۱۸.   | ۷- دخان، آیه ۳.     | ۲- بروج، آیه ۲۲.                    |
| ۱۵- المیزان ج ۱۳، ص ۲۳۶. (چاپ اسلامیة)   | ۸- اسراء، آیه ۱۰۶.  | ۳- زخروف، آیه ۴.                    |
| ۱۶- المیزان ج ۱۵، ص ۲۳۰. (چاپ اسلامیة)   | ۹- فرقان، آیه ۳۳.   | ۴- المیزان (چاپ اسلامیة) ج ۲، ص ۱۶. |
| ۱۷- الاتقان، سیوطی، ص ۱۰، المیزان ج ۱۳، ص ۲۴۹. (چاپ اسلامیة) یا اندکو تغییر در عبارات. | ۱۰- اعراف، آیه ۵۲.  | ۵- بقره، آیه ۱۸۵.                   |
|  | ۱۱- یونس، آیه ۳۷.   |                                     |
|  | ۱۲- انعام، آیه ۱۱۴. |                                     |